

Evaluation and Prioritization of the Relative Comprehensive-ness of Islamic Banking Models in the Islamic Republic of Iran

Mousa Shahbazi Ghiasi

Faculty Member, Research Center of the Islamic Parliament, Iran.

Mohammad Jholazadeh

PhD student in Economics, Faculty of Economics, Imam Hussein (AS) University, Tehran, Iran

Ali Khoshniat Rozgi (Corresponding Author)

PhD student, Financial Engineering, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadeq (AS) University, Tehran, Iran



Citation Khoshniat Rozgi, A. , et al. (2025). Evaluation and Prioritization of the Relative Comprehensive-ness of Islamic Banking Models in the Islamic Republic of Iran. *EGHTESAD-E ISLAMI (A Quarterly Journal on Islamic Economics)*. 25 (98): 71-105



[10.22034/iec.2025.2042659.2804](https://doi.org/10.22034/iec.2025.2042659.2804)

Received: 04 March 2025 , Accepted: 02 September 2025

Abstract

According to many economists, nearly four decades after the enactment of the Law on Interest-Free Banking Operations in Iran, numerous challenges still hinder the full realization of Islamic banking. Over this period, various models have been proposed—each with different approaches—to eliminate usury from the banking system and implement Islamic banking. However, as this study reveals, most of these models have lacked a comprehensive perspective on the challenges facing Islamic banking in Iran, which has prevented their effective implementation.

Accordingly, the central problem of this research is to evaluate the comprehensiveness of Islamic banking models in Iran in light of these challenges. By categorizing and prioritizing the challenges into three dimensions—economic, Sharia, and institutional—this study assesses how comprehensively the proposed models address them. Using library research and the Analytic Hierarchy Process (AHP), the study further prioritizes the relative importance of these dimensions and their associated challenges.

The findings show that Sharia-related issues rank as the most critical dimension, followed by institutional and economic dimensions. The component of “guaranteeing provisional profit and paying fixed returns to depositors” is identified as the most significant challenge within the Sharia axis. Moreover, the models of “separating banking services (current accounts) from investment accounts” and “banking based on contracts and customer risk-sharing” demonstrate greater effectiveness and comprehensiveness compared to other models.

Keywords

Islamic banking, Effectiveness, Analytic Hierarchy Process (AHP)





شېرشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پر تال جامع علوم انسانی



ارزیابی و اولویت‌بندی جامعیت نسبی الگوهای بانکداری اسلامی

در جمهوری اسلامی ایران

موسی شهبازی غیائی ^{ID}

عضو هیأت علمی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ایران. Email: Shahbazymusa@gmail.com

محمد ژولازاده ^{ID}

دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.
Email: M.zhoolazadeh@ihu.ac.ir

علی خوش‌نیت رزگی (نویسنده مسئول) ^{ID}

دانشجوی دکتری، رشته مهندسی مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.
Email: khoshniat@isu.ac.ir



استناد خوش‌نیت رزگی، علی و همکاران. (۱۴۰۴). ارزیابی و اولویت‌بندی جامعیت نسبی الگوهای بانکداری اسلامی در جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه اقتصاد اسلامی. ۲۵ (۹۸): ۱۰۵-۷۱
[10.22034/iee.2025.2042659.2804](https://doi.org/10.22034/iee.2025.2042659.2804)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱

چکیده

به زعم بسیاری از اقتصاددانان، با سپری‌شدن قریب به چهل سال از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در اقتصاد ایران، همچنان چالش‌های متعددی تا تحقق کامل بانکداری اسلامی در کشور وجود دارد. در این مدت با رویکردهای متفاوت به بانکداری اسلامی، الگوهای مختلفی به منظور حذف ربا از نظام بانکی و تحقق بانکداری اسلامی پیشنهاد شده است. مطابق آسیب‌شناسی صورت‌گرفته در این پژوهش، الگوهای یادشده نگاه جامعی به چالش‌های پیش روی تحقق بانکداری اسلامی در کشور نداشته‌اند و همین امر مانع اجرایی‌شدن بسیاری از الگوهای مطرح‌شده در این حوزه شده است. بدین ترتیب مسئله این پژوهش عبارت است از: سنجش جامعیت الگوهای بانکداری در ایران در راستای تحقق بانکداری اسلامی. پژوهش حاضر با اولویت‌بندی چالش‌های پیش روی بانکداری اسلامی در سه محور اقتصادی، شرعی و نهادی، ضمن آسیب‌شناسی الگوهای مذکور، به بررسی میزان جامعیت آنها در پاسخ‌گویی به این آسیب‌ها پرداخته است.

این پژوهش که با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و روش تحلیل سلسله‌مراتبی صورت پذیرفته، در ادامه میزان اهمیت محورهای مذکور و چالش‌های مرتبط با آنها را اولویت‌بندی نموده و در نهایت ضمن معرفی مهم‌ترین چالش، به رتبه‌بندی الگوها پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد محورهای شرعی، نهادی و اقتصادی به ترتیب مهم‌ترین محورها و مؤلفه «تضمین سود علی‌الحساب و پرداخت سود قطعی به سپرده‌گذاران» به عنوان مهم‌ترین چالش - در محور شرعی - می‌باشد. همچنین مطابق نتایج پژوهش، الگوهای «تفکیک خدمات (حساب جاری) بانک از (حساب) سرمایه‌گذاری» و «بانکداری مبتنی بر عقود و ریسک‌پذیری مشتریان»، از اثربخشی و جامعیت بالاتری نسبت به سایر الگوها برخوردارند.

واژگان کلیدی

بانکداری اسلامی، اثربخشی، تحلیل سلسله‌مراتبی.



مقاله

همواره در جوامع اسلامی تحقق نظام تأمین مالی مبتنی بر آموزه‌های اسلام در دستور کار قرار داشته است. امروزه این تلاش‌ها حول موضوع بانکداری اسلامی در کشورهای مختلف دنبال می‌شود که مرکز ثقل تمام نسخه‌های آن، تلاش در جهت حذف رباست. در ترسیم نظام تأمین مالی مطلوب بر اساس آموزه‌های اسلامی اختلاف نظر وجود دارد؛ اما قدر متیقن تمام این نظریات ربوی نبودن چنین نظامی است. بانکداری اسلامی در صدد بوده است با حذف ربا از عملیات بانکی، پاسخ‌گوی نیاز تأمین مالی بخش واقعی اقتصاد باشد. در بانک‌های اسلامی، رابطه بین سهامداران و صاحبان حساب‌های سرمایه‌گذاری (Investment Account Holders (IAH)) بر اساس اصل تقسیم سود و زیان (PLS) به عنوان سنگ بنای واسطه‌گری بانکی اسلامی است. کاربرد سازوکار PLS از سرمایه‌گذاری سپرده یا حساب‌های سرمایه‌گذاری با سود مشترک شروع می‌شود که مختص بانک‌های اسلامی است و به عنوان نوعی سرمایه‌گذاری سهام با مدت زمان محدود در نظر گرفته می‌شوند (آرچر و همکاران، ۱۹۹۸). صاحبان سپرده سرمایه‌گذاری، سود را با بانک تقسیم می‌کنند و هر گونه ضرری را که ممکن است رخ دهد، جذب می‌کنند. این واقعیت که صاحبان سپرده سرمایه‌گذاری متحمل ضررهای مالی به دارایی‌های خود می‌شوند، مجموعه‌ای از مسائل را در مورد رفتار بانک اسلامی و صاحبان سپرده سرمایه‌گذاری از نظر حقوق سود و روابط نمایندگی اخلاقی ایجاد می‌کند (حمزه، ۲۰۱۶).

پس از انقلاب اسلامی نیز نسخه‌های گوناگونی تحت عنوان بانکداری اسلامی یا بانکداری بدون ربا در ایران مطرح شده است که برخی از آنها در اقتصاد ایران به مرحله اجرا رسیده‌اند؛ اما به زعم کارشناسان همچنان با

1. Archer et al.
2. Hamza.

چالش‌های متعددی روبه‌روست.

نسخه‌ای که پس از انقلاب اسلامی در ایران اجرایی گردید، عبارت است از «نظام بانکداری مبتنی بر شریعت» که در آن بر اساس یک قانون مادر، نظام بانکی به طور کامل مبتنی بر قوانین اسلامی در نظر گرفته شده است^۱ (عیوضلو، ۱۳۹۹). به عقیده اقتصاددانان با گذشت قریب به چهل سال از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، همچنان مشکلات متعددی همچون مغایرت عملیات بانکی با قواعد و قوانین شرعی، پیش روی تحقق بانکداری اسلامی قرار دارد.

اگرچه تا نیل به نظام مطلوب اسلامی مسیر بسیاری در پیش است، می‌توان با تمرکز بر اصلی‌ترین چالش تحقق نظام بانکداری اسلامی، زمینه را برای حرکت در این بستر، بیش از پیش فراهم نمود. این پژوهش قصد دارد ضمن آسیب‌شناسی مختصر برخی از الگوهای ارائه‌شده در خصوص بانکداری اسلامی در ایران، بر تبیین مهم‌ترین چالش تحقق بانکداری اسلامی و کیفیت پاسخ‌گویی الگوهای مختلف برای حل این چالش‌ها تمرکز کند. در این پژوهش، پس از ذکر پیشینه، الگوهای مختلف نظری و اجراشده بانکداری اسلامی در ایران مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ سپس مهم‌ترین چالش‌ها در مسیر تحقق بانکداری اسلامی که از منظر خبرگان با روش تحلیل سلسله‌مراتبی رتبه‌بندی شده‌اند، در سه سطح شرعی، اقتصادی و نهادی تبیین می‌شوند و نقطه شروع اصلاحات در نظام بانکی به منظور تحقق بانکداری اسلامی معرفی می‌گردد.

پیشینه تحقیق

به طور کلی دو دیدگاه در خصوص بانکداری اسلامی و مواجهه با ابعاد

۱. در مقابل نظام بانکداری دوگانه یا موازی وجود دارد که اغلب کشورهای اسلامی - همچون مالزی و اندونزی و... - از آن تبعیت می‌کنند و در این کشورها نظام بانکداری متعارف در کنار بانکداری اسلامی فعالیت می‌کند و به مشتریان خود خدمات ارائه می‌دهد.

شرعی و اقتصادی آن وجود دارد. دیدگاه نخست بر این باور است که بانک بر نرخ بهره استوار است و ساختار و کارکرد آن به گونه‌ای است که با چارچوب اسلامی قابلیت سازگاری و انطباق را ندارد و لذا هر نوع تلاش برای انطباق دادن عملیات بانک با عقود اسلامی یا پرداخت سود مبتنی بر عملیات واقعی منجر به صوری شدن عملیات بانکی خواهد شد و ربا در این سیستم از بین نمی‌رود. درمقابل طیف دیگری از نظرات بر این باور است که بانکداری اسلامی و حذف ربا از عملیات آن امکان تحقق دارد و شبهه ربوی و صوری شدن نظام بانکی و عدم ابتدای آن بر عملیات واقعی، ریشه در فاصله گرفتن مقررات، بخشنامه‌ها و عملکردها از اصول و قواعد بانکداری اسلامی دارد و پرداخت نرخ سود غیرربوی با اجرای درست قوانین و مقررات امکان‌پذیر است. بر همین اساس الگوهای مختلف بانکداری اسلامی (بدون ربا) را می‌توان نشئت گرفته از این دو دیدگاه کلی تقسیم‌بندی نمود. در ادبیات تحقیق، اقتصاددانان و پژوهشگران حوزه اقتصاد اسلامی به ابعاد مختلف بانکداری اسلامی پرداخته و جوانب آن را بررسی کرده‌اند. در میان پژوهش‌های داخلی و خارجی، مقایسه الگوهای بانکداری اسلامی به‌ندرت یافت می‌شود و عموماً مقالات این حوزه به بررسی و ارائه راهکار در یک حوزه متمرکز می‌گردند. در ادامه به برخی پژوهش‌های مرتبط با مسئله پژوهش اشاره می‌شود.

الف) پیشینه داخلی

عیوض‌الو (۱۳۹۹) در «مطالعات پایه طرح اصلاح نظام پولی و بانکی کشور» به آسیب‌شناسی نظام پولی بانکی در کشور پرداخته و کوشیده است با مروری بر برخی الگوهای مطرح‌شده بانکداری در کشور، الگویی مطلوب ارائه دهد. در این الگو ابتدا با بررسی وضعیت موجود، چالش‌های سیاست‌گذاری پولی اعم از تعدد اهداف، ناسازگاری بین اهداف و فقدان استقلال ابزاری، مخدوش بودن قلمرو سیاست‌گذار پولی، فقدان سازوکار

پاسخ‌گویی بانک مرکزی، پایین‌بودن درجه استقلال بانک مرکزی، ناکارآمدی در برقراری ارتباط با ذی‌نفعان، محدودبودن ابزارهای سیاست پولی و تسلط مالی دولت و اتکا به صلاحدید و ابزارهای اداری و غیرمنعطف احصا شدند. در ادامه برای هر کدام از چالش‌های مذکور راهکارهای پیشنهادی در ساختار و ارکان مطلوب ارائه گردیدند که این راهکارها عبارت‌اند از: تعیین «ثبات قیمت‌ها» به عنوان هدف سیاست پولی، تجدید ساختار بهینه شورای سیاست‌گذاری پولی، طراحی سازوکار تعامل بانک مرکزی با دولت و مجلس و توسعه ابزارهای سیاست پولی در چارچوب شریعت و بر پایه حق، عدل و قوام.

موسویان و میثمی (۱۳۹۵) در کتاب **بانکداری اسلامی: مبانی نظری-تجارب عملی** به مباحث مختلفی در حیطه بانکداری اسلامی پرداخته‌اند. همچنین با تأکید بر بازتعریف عقود و تفکیک میان میزان ریسک‌پذیری مشتریان، نهادهای بانک قرض‌الحسنه، بانک مبادله‌ای، بانک تخصصی-توسعه‌ای و بانک جامع را به عنوان الگوی جامع بانکداری در کشور پیشنهاد می‌دهند. همچنین این ایده برای نخستین بار از سوی موسویان (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی سپرده‌های بانکی و پیشنهاد سپرده‌های جدید» مطرح شده بود.

محقق‌نیا (۱۳۹۴) در کتابی با عنوان **الگوی بانکداری اسلامی** به بررسی دیدگاه‌های مختلف در این حوزه پرداخته است. تمرکز این پژوهش بر تفکیک وظیفه سپرده‌پذیری و وام‌دهی شبکه بانکی و همچنین طراحی نظام بانکی بر مبنای چنین تفکیکی می‌باشد.

حسینی دولت‌آبادی (۱۳۹۴) در رساله دکتری با عنوان «ترتیبات خلق پول از منظر اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی با تأکید بر نرخ ذخیره قانونی» به مزایای الگوی نظام بانکداری ذخیره کامل و رهیافت‌های آن برای بانکداری اسلامی اشاره کرده است. در ساختار پیشنهادی تنها بانک مرکزی به نمایندگی از سوی دولت امکان خلق پول خواهد داشت.

سپرده‌های معاملاتی مردم و اشخاص حقوقی که کارکرد پول دارد، در چارچوب امانت به صورت حساب‌هایی نزد بانک مرکزی یا نهادی که از سوی بانک مرکزی تعیین می‌شود، نگهداری خواهد شد. بانک‌ها نیز در این ساختار به مؤسسه‌های مالی تبدیل خواهند شد که امکان خلق پول ندارند و منابع آنها محدود به سپرده‌های سرمایه‌گذاری مردم و سرمایه‌سهمداران بانک خواهد شد. **توتونچیان (۱۳۷۹)** در کتابی به نام **پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری** به اصول و مبانی اقتصاد سرمایه‌داری و اسلامی و همچنین تحلیل تطبیقی بانکداری سرمایه‌داری و اسلامی و راه‌های بازگشت به قانون عملیات بانکی بدون ربا در ایران پرداخته‌اند. مطابق عقیده ایشان، ترویج بانکداری اسلامی گسترش بازار سرمایه به معنای واقعی آن - و نه بازار پول - می‌باشد.

(ب) پیشنهاد خارجی

خان و میرآخور (Khan, M. S., & Mirakhor, A) (۱۹۹۴) در تحقیقی در خصوص نظام پولی و بانکی در اقتصاد اسلامی بیان می‌دارند که در یک نظام اقتصاد اسلامی، روابط مالی و پولی به گونه‌ای باید هماهنگ باشد که مانع استفاده از بهره در همه اشکال گردد، سود و تسهیم سود، مجاز شمرده شده و طیف گسترده‌ای از قراردادها در دسترس فعالان اقتصادی قرار گیرد. الگوی بانکداری پیشنهادی این است که بانک‌های اسلامی باید سبد دارایی‌های خود را در قالب بسته‌های «صندوق مشترک» برای فروش به سپرده‌گذاران سرمایه‌گذار عرضه کنند. در این چارچوب وابستگی متقابل و رابطه نزدیک‌تر بین سرمایه‌گذاری و بازدهی سپرده‌ها وجود خواهد داشت؛ زیرا بانک‌ها می‌توانند اساساً سپرده‌های سرمایه‌گذاری را بر اساس مشارکت در سود بپذیرند و بر همین مبنا وجوه در اختیار بنگاه‌ها قرار دهند.

الجارحی و اقبال^۱ (۲۰۰۱) در پژوهشی به نوزده پرسش در مورد بانکداری

1. Al-Jarhi & Iqbal. "Islamic Banking: Answers to some Frequently Asked Questions".

اسلامی پاسخ گفته‌اند. در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه آیا نقش بانک مرکزی در اقتصاد اسلامی و ارتباط آن با سیستم بانکی تغییر خواهد کرد یا خیر، می‌نویسند: بانک مرکزی نمی‌تواند به عملیات بازار باز که با نرخ بهره کار می‌کند، به کنترل پولی و تغییر در نقدینگی اقدام کند؛ بلکه برای تأمین پول مورد نیاز برای رشد اقتصادی و اشتغال باید بر فعالیت‌ها در بخش واقعی اقتصاد متمرکز شود.

نوآوری این تحقیق نسبت به مطالعات انجام‌شده را می‌توان در چند مورد خلاصه نمود: نخست، توجه همزمان به کلیه دیدگاه‌های مطرح‌شده در حوزه نظری و عملی بانکداری اسلامی در ایران است. در این خصوص عدم توجه همزمان در مطالعات گذشته باعث شده است الگوی جامعی که به تمام چالش‌های پیش روی بانکداری اسلامی اشراف داشته باشد، یافت نشود. شاهد این مدعا مطالعات بسیار فراوان در حوزه بانکداری متعارف و بانکداری اسلامی است که کمتر الگویی می‌توان یافت که علاوه بر مسائل اقتصادی به مسائل شرعی یا نهادی بانکداری اسلامی نیز توجه توأمان داشته باشد و هر الگو نهایتاً در دو محور اظهار نظر داشته‌اند و عدم جامعیت الگوها مانع کاربرست آنها در عرصه اجرا شده است. نقد و بررسی الگوهای بانکداری اسلامی با توجه به شاخص‌های شرعی، اقتصادی و نهادی در راستای حل مهم‌ترین چالش‌های پیش روی تحقق بانکداری اسلامی در ایران را می‌توان نوآوری دیگر این تحقیق دانست.

نقد و بررسی الگوهای نظری و اجراشده بانکداری اسلامی در ایران

پس از انقلاب اسلامی طرح‌های مختلفی به منظور عملیاتی کردن نظام بانکی متناسب با قوانین اسلامی ارائه گردید که برخی از آنها صرفاً در مرحله نظری باقی ماندند و برخی به محک آزمون و عمل گذاشته شدند. نقطه اشتراک تمام الگوهای مذکور تلاش در جهت حذف ربا بوده است؛ اما

استدلال‌ها و تجویزهای صورت گرفته در هر یک متفاوت از دیگری است.^۱ بخشی از مهم‌ترین الگوهای نظری و عملی در نظام بانکداری اسلامی در جدول ذیل قابل مشاهده‌اند.

جدول ۱: الگوهای بانکداری اسلامی در ایران

الگوهای اجراشده	
عملیات بانکی بدون ربا	
بانکداری قرض‌الحسنه	
الگوهای نظری	منابع
بانکداری مبتنی بر عقود مبادله‌ای	طالبی و کیائی، ۱۳۹۱، ص ۴/ عقیلی کرمانی، ۱۳۸۷، ص ۱۱.
بانکداری مبتنی بر عقود مشارکتی	شعبانی و سیف لو، ۱۳۹۰/ چپرا، ۲۰۰۷/ اقبال و میرآخور، ۲۰۱۱/ توتونچیان، ۱۳۷۹
تفکیک خدمات بانک از سرمایه‌گذاری و حذف بانک تجاری	صفا و صمصامی، ۱۴۰۰/ محقق‌نیا، ۱۳۹۴
تفکیک بانک مبتنی بر عقود و ریسک‌پذیری مشتریان	موسویان، ۱۳۸۳
بانکداری ذخیره کامل	دولت‌آبادی، ۱۳۹۴
الگوی بانکداری بدون ربا (شهید صدر)	صدر، ۱۳۸۸/ موسویان، ۱۳۸۵

منبع: یافته‌های پژوهش

الگوهای اجراشده بانکداری اسلامی در ایران

جمهوری اسلامی ایران به لحاظ تاریخی از معدود کشورهایی است که در آن قانون عملیات بانکی بدون ربا و با داعیه «نظام بانکداری اسلامی سراسری»

۱. اگرچه از عبارت «الگو» که از نوعی جامعیت برخوردار است، برای کلیه طرح‌های نظری و عملی ارائه شده در بانکداری اسلامی استفاده شده است، بدان معنا نیست که تمام طرح‌های مذکور در صدد ارائه طرحی جامع برای بانکداری اسلامی بوده‌اند، بلکه برخی به صورت اجمالی و برخی به صورت تفصیلی‌تر گامی در جهت طراحی الگوی بانکداری اسلامی برداشته‌اند که صرفاً به منظور ارائه یک تصویر کلی در ذهن مخاطب در کنار یکدیگر ذکر شده‌اند. همچنین الگوهایی نظیر «ملی‌سازی کل شبکه بانکی» یا الگوی «بانکداری دوگان» نیز وجود دارند که به دلیل عدم غنای نظری از حیث اسلامی و کارکردی، از پرداختن به آنها اجتناب شده است.

در حال اجرایی شدن است. با بررسی تجربه چند دهه عملیات بانکداری بدون ربا در کشور ایران مشخص می گردد که الگوی بانکداری بدون ربا، مهم ترین و شاید به نوعی تنها الگوی اجرا شده در کشور باشد؛ اگرچه برخی (موسویان و میثمی، ۱۳۹۵) الگوهای مشارکت در سود و زیان راستین که به طور مقطعی در برخی شعب بانک ملی اجرا شده بود و بانکداری قرض الحسنه را نیز به عنوان الگوهای اجرا شده در کشور ذکر کرده اند. در ادامه رویکرد مذکور و نحوه تجهیز و تخصیص منابع آن تبیین خواهد شد.

قانون عملیات بانکی بدون ربا

نخستین و مهم ترین الگوی اجرا شده بانکداری اسلامی را می توان تجربه قانون عملیات بانکی بدون ربا دانست. قانون عملیات بانکی بدون ربا در ۵ فصل و ۲۷ ماده و در تاریخ ۱۳۶۲/۰۶/۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. اگرچه تصویب و اجرای این قانون با فاصله اندکی از پیروزی انقلاب اسلامی یک کامیابی برای طراحان و مسئولان بانکی وقت به شمار می رود، اما این به معنای بدون نقص و مترقی بودن قانون نیست، بلکه همچون بسیاری از قوانین نیازمند اصلاح و تکمیل است.

مطابق این قانون تجهیز منابع از طریق سپرده قرض الحسنه جاری، سپرده قرض الحسنه پس انداز و سپرده سرمایه گذاری صورت می پذیرد. سپرده قرض الحسنه جاری و پس انداز بر اساس قرض بدون بهره اند با این تفاوت که در سپرده جاری امکان ارائه دسته چک وجود دارد و اعطای وام صورت نمی گیرد؛ اما در سپرده قرض الحسنه پس انداز امکان ارائه دسته چک وجود ندارد و در عوض اعطای وام قرض الحسنه به منظور تشویق سپرده گذاران صورت می پذیرد. سپرده سرمایه گذاری نیز در دو نوع کوتاه مدت و بلند مدت اند که بر اساس قرارداد وکالت عام منعقد می شوند و در پایان سال سود حاصل از معاملات را پس از کسر حق الوکاله بانک، به سپرده گذاران می پردازند.

تخصیص منابع نیز به شکل‌های مختلفی از جمله اعطای وام قرض الحسنه بدون بهره (با استفاده از منابع سپرده‌های قرض الحسنه جاری و پس‌انداز)، قراردادهای مبادله‌ای با نرخ سود معین - همچون مرابحه، فروش اقساطی، سلف و ... با استفاده از منابع سپرده‌های سرمایه‌گذاری و دیگر منابع -، قراردادهای مشارکتی - مانند مشارکت مدنی، حقوقی، مضاربه و... - و سرمایه‌گذاری مستقیم انجام می‌شود. در دو مورد اخیر، بانک در جایگاه سرمایه‌گذار، مسئولیت و مخاطرات ناشی از سرمایه‌گذاری را عهده‌دار می‌شود.

قانون عملیات بانکی بدون ربا به عنوان مبنایی برای سایر قوانین و مقررات بانکداری کشور ایفای نقش می‌کند؛ اما مطابق اذعان کارشناسان با گذشت دهه‌ها از اجرای این قانون، روح حاکم بر قراردادها - به‌ویژه در عقود مشارکتی - منطبق بر این قانون نیست.

موسویان (۱۳۸۶) در پژوهشی در ده محور انتقادهای اساسی را به این قانون مطرح نموده است که عبارت‌اند از:

۱. عدم ارائه تعریفی روشن و کاربردی از نظام بانکی و تبیین قلمرو شمول قانون؛
۲. متاثر شدن قانون از وضعیت اقتصادی اول انقلاب به‌ویژه از نگرش دولتی بودن بانک‌ها؛
۳. عدم قابلیت قانون برای طراحی الگوهای متناسب با انواع مؤسسه‌های اعتباری بانکی و غیربانکی؛
۴. جامعیت نداشتن و نارسایی قانون درباره هدف‌ها و سلیقه‌های سپرده‌گذاران؛
۵. جامعیت نداشتن و نارسایی قانون درباره هدف‌ها و سلیقه‌های متقاضیان تسهیلات؛
۶. جامعیت نداشتن و نارسایی ابزارهای سیاست پولی استفاده‌شده در قانون؛

۷. فقدان راهکار مناسب برای روبه‌روشدن طلب‌های معوقه؛
۸. فقدان راهکار ارتباطی بانک‌ها و دیگر مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی ایران با بانک‌های بدون ربا و متعارف دنیا؛
۹. فقدان راهکار مناسب برای نظارت و کنترل شرعی فعالیت بانک‌ها و دیگر مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی؛
۱۰. فقدان راهکار مناسب برای تحقیق و توسعه بانکداری بدون ربا.

بانکداری قرض‌الحسنه

بانکداری قرض‌الحسنه یا غیرانتفاعی (زریباف و سعیدی، ۱۳۹۲، ص ۳) صرفاً سپرده‌های قرض‌الحسنه را تجهیز می‌کند و همچنین منابع را به متقاضیان قرض‌الحسنه تخصیص می‌دهد که در سال‌های گذشته دو بانک منطبق با این الگو در ایران تأسیس شده‌اند. تسهیلات قرض‌الحسنه عموماً به نیازهای حمایتی (درمان، ازدواج، شهریه و...) و سرمایه‌ای خانوارها (اجاره و رهن و تعمیر مسکن و...) اختصاص می‌یابد. کمک به رفع نیازهای خانوار، ترویج فرهنگ نوع‌دوستی، تخصیص منابع مالی به جهت رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی از جمله اهداف بانکداری قرض‌الحسنه به شمار می‌رود. البته از جمله انتقادهایی که در مقام عمل به الگوی بانکداری قرض‌الحسنه مطرح است، این است که الگوی وام‌دهی در این بانک‌ها عمدتاً تبدیل به وام‌های امتیازی (سپرده وام‌خواه) شده است و سپرده‌گذاران عموماً با هدف دریافت وام قرض‌الحسنه اقدام به سپرده‌گذاری می‌کنند و این ممکن است در عمل منجر به شبهه «قرض به شرط قرض» گردد.

الگوهای نظری بانکداری اسلامی

الگوی استفاده صرف از عقود مبادله‌ای

یکی از الگوهای ارائه‌شده برای بانکداری اسلامی مبتنی بر آسیب‌های

اجرای عقود مشارکتی و با توجه به تجربه سه دهه گذشته در استفاده از این نوع عقود در نظام بانکی کشور، الگوی استفاده صرف از عقود مبادله‌ای است (برای نمونه طالبی و کیائی، ۱۳۹۱، ص ۴/ عقیلی کرمانی، ۱۳۸۷، ص ۱۱). مطابق این دیدگاه، عدم تطبیق نحوه اجرای عقود مشارکتی در بانک‌ها با شکل فقهی عقود مشارکتی ازجمله اصلی‌ترین چالش‌های بانکداری اسلامی کنونی است. به عبارت دیگر در مقام اجرا آنچه در بانک‌ها به اسم عقود مشارکتی جریان دارد، با آنچه شارع به نام «مشارکت» معرفی نموده، تفاوت اساسی دارد.

برای نمونه عقد شرکت عقدی جایز است و هر کدام از شرکا در هر زمان می‌تواند تقاضای فسخ نماید و البته زمانی این فسخ محقق می‌شود که این مسئله موجب ضرر مالی دیگر شرکا نشود؛ حال آنکه در عقد مشارکتی که در بانک منعقد می‌شود، ضمن یک عقد صلح، مشتری تمام تعهدات قرارداد را می‌پذیرد و حق فسخ را از خود سلب می‌نماید. با این فرض، عقد مشارکت با استفاده از شرط ضمن عقد صلح، به یک عقد لازم تبدیل شده است؛ همچنین در عقد مضاربه که یک نوع انواع عقود مشارکتی است، عامل امین است و در صورت عدم کوتاهی (افراط و تفریط) ضامن زیان حاصل از تجارت نیست و صرفاً در سود شریک است؛ مگر اینکه شرط شود که او باید بخشی از زیان را بر عهده بگیرد؛ در حالی که در عقد مضاربه بانکی مشتری متعهد می‌شود در صورتی که به هر دلیل - حتی حوادث قهری - خسارتی به اصل سرمایه بانک وارد آید، خسارت وارده را به به میزانی که بانک تعیین می‌کند، بپردازد.

بر اساس این الگو، بانک به عنوان یک ظرف توان گنجایش عقود مشارکتی به عنوان مظروف را ندارد و در دو بعد خرد و کلان اقتصادی استفاده از این نوع عقود با وظایف ذاتی بانک‌ها در تعارض است؛ چراکه بانک به عنوان یک نهاد واسطه مالی، از منابع سپرده‌گذاران (عمدتاً ریسک‌گریز)

استفاده می کند و خود توان و تخصص در نظارت و اجرای پروژه های مشارکتی ندارد (طالبی و کیایی، ۱۳۹۱).

در این رویکرد صندوق های قرض الحسنه متکفل قراردادهای خیرخواهانه همچون قرض الحسنه می شوند و شرکت های سرمایه گذاری و سهامی نیز قراردادهای مشارکتی را عهده دار می شوند و در نهایت بانک - به عنوان نهاد واسطه مالی با ریسک پایین - به انعقاد قراردادهای مبادله ای مبادرت می ورزد. بر همین اساس سازوکار تجهیز و تخصیص منابع در این رویکرد به شرح زیر است:

تجهیز منابع از طریق سپرده جاری (قرض بدون بهره) و سپرده پس انداز (وکالت عام) و نیز سپرده سرمایه گذاری خاص و عام صورت می پذیرد. تخصیص منابع نیز از طریق عقود مبادله ای (مراجعه، اجاره به شرط تملیک، جعاله، خرید دین، سلف) صورت می پذیرد.

جدول ۲: فعالیت های بانکی بر اساس الگوی بانک مبادله ای

تخصیص منابع			تجهیز منابع		
سود	رابطه حقوقی	عنوان تسهیلات	سود	رابطه حقوقی	عنوان سپرده
معین	بیع نسبه	۱. فروش اقساطی	قرض بدون بهره	۱. سپرده جاری	
معین	اجاره	۲. اجاره به شرط تملیک	صفر	۲. سپرده پس انداز	
معین	جعاله	۳. جعاله	معین	وکالت عام ^۲	۳. سپرده سرمایه گذاری خاص ^۱
معین	بیع دین	۴. خرید دین	معین	وکالت خاص	۴. سپرده سرمایه گذاری عام
معین	بیع سلف	۵. سلف	معین	وکالت عام	

منبع: یافته های تحقیق بر اساس توضیحات فائان به الگوی مبادله ای

۱. بانک این سپرده ها را در پروژه های مشخصی به کار می گیرد و در نهایت سود حاصل از آن را پس از کسر حق الوکاله به سپرده گذاران پرداخت می کند.

۲. بانک این سپرده ها را با استفاده از عقد وکالت عام دریافت می کند و در اعطای تسهیلات سودآور به کار می گیرد. در پایان دوره مالی، سود حاصل از فعالیت های اقتصادی پس از کسر حق الوکاله به سپرده گذار پرداخت می شود.

الگوی استفاده صرف از عقود مشارکتی

در طرف مقابل عده‌ای دیگر از محققان قائل به معین آن هستند که شاکله اصلی بانکداری اسلامی را عقود مشارکتی تشکیل می‌دهد و بانکداری اسلامی می‌بایست بر پایه مشارکت در سود و زیان بنا شود (شعبانی و سیفالو، ۱۳۹۰/ چپرا، ۲۰۰۷/ اقبال و میرآخور، ۲۰۱۱). دشواری در تعیین سود کل ناشی از مشارکت و تخصیص این سود به طرف‌های درگیر در مشارکت، استفاده از ذخایر در برابر زیان آینده - که ممکن است مفهوم اشتراک سود مشارکت را تضعیف کند- و همچنین رعایت اصول حاکمیت شرکتی - در شرایطی که سپرده‌گذاران از حق اعمال مالکیت برخوردار نیستند- ازجمله مهم‌ترین چالش‌های عقود مشارکتی محسوب می‌شوند (شاطارات و عطمه، ۲۰۱۶).

صورت عملی این نوع نگاه بانکداری مشارکت در سود و زیان است که گونه‌ای از آن (بانکداری راستین) در برخی شعب بانک ملی برای مدتی محدود نیز به اجرا گذاشته شد. در این نوع نگاه، بانک واسطه‌گر سرمایه نیست؛ بلکه عرضه‌کننده وجوه تلقی می‌شود (توتونچیان، ۱۳۷۹، ص ۷۲۵). بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین که در سال ۱۳۸۹ در بانک ملی ایران اجرایی شد، به دنبال ایجاد رابطه مستقیم میان سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان بود (بیدآباد، ۱۳۹۱، ص ۲۱).

مطابق این رویه، بانک به نمایندگی از سپرده‌گذاران، منابع سپرده‌ای را به مجریان طرح‌های سرمایه‌گذاری تخصیص می‌دهد و سود یا زیان حاصل از مشارکت بین سپرده‌گذار، بانک و سرمایه‌گذار تقسیم می‌شود. لازم است یادآوری شود قرارداد می‌تواند بر مبنای کارمزد نیز باشد. در این نوع بانکداری سود علی‌الحساب اعطا نمی‌شود و همچنین عملیات‌های مختلف در حساب‌های جداگانه جای می‌گیرند و حساب‌ها با یکدیگر مخلوط

نمی شوند (بیدآباد و الهیاری فرد، ۱۳۸۴، ص ۱۵).

در این الگو سپرده گذاران با مجموعه ای از طرح ها مواجه اند و می توانند در سود و زیان طرحی خاص یا بسته ای از طرح ها مشارکت نمایند. همچنین آنها این امکان را دارند که در سود و زیان شعبه شریک شوند. سرانجام پس از انجام عملیات سپرده گذاری، بانک به سپرده گذاران گواهی مشارکت اعطا می کند تا در صورت لزوم سپرده گذاران به زودتر از موعد اتمام پروژه، گواهی را در بازار ثانویه به بالاترین قیمت پیشنهادی به فروش برسانند. در این الگو کلیه دارایی های مورد مشارکت و وثایق توسط مجری طرح بیمه می گردند (بیدآباد و الهیاری فرد، ۱۳۸۴، ص ۲۲).

در این الگو بانک سپرده ها را بر اساس عقد مشارکت مدنی به پروژه ها (مجریان طرح) تخصیص می دهد؛ همچنین بانک به عنوان شریک سرمایه گذار، واحدی به نام امین تأسیس می کند تا امور نظارتی فرایند مشارکت در سود و زیان را اعمال نماید.

مهم ترین عقود در این الگو در تجهیز منابع بر اساس گواهی سپرده عام و خاص صورت می پذیرد و در تخصیص منابع نیز در قالب عقود مشارکتی (مشارکت حقوقی، مدنی، مضاربه، سرمایه گذاری مستقیم) انجام می گردد.

جدول ۳: فعالیت های بانکی بر اساس الگوی بانک مشارکتی

تخصیص منابع			تجهیز منابع		
سود	رابطه حقوقی	عنوان تسهیلات	سود	رابطه حقوقی	عنوان سپرده
متغیر	شرکت	۱. مشارکت حقوقی		وکالت	۳. گواهی
متغیر	شرکت	۲. مشارکت مدنی	متغیر	عام	سپرده عام
متغیر	شرکت	۳. مضاربه	متغیر	وکالت	۴. گواهی
متغیر	-	۴. سرمایه گذاری مستقیم		خاص	سپرده خاص

منبع: یافته های تحقیق بر اساس توضیحات قائلان به الگوی مشارکتی

گواهی سپرده عام مختص سرمایه‌گذاری‌هایی است که تمایل به مشارکت در طرح‌های گوناگون اقتصادی داشته، از سود حاصل - پس از کسر حق‌الوکاله بانک - بهره‌مند خواهند شد. سپرده‌گذاران همچنین می‌توانند گواهی سپرده خود را پس از مدتی به دیگری واگذار کنند. گواهی سپرده خاص نیز مشابه سپرده عام است، با این تفاوت که اولاً در پروژه‌های خاص اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌شود و ثانیاً غیرقابل انتقال است.

الگوی تفکیک خدمات از سرمایه‌گذاری و حذف بانکداری تجاری

مطابق این دیدگاه ماهیت بانک تجاری در قانون عملیات بانکی بدون ربا در نظر گرفته نشده است و بانکداری مصوب در عمل به سبب ساختارها و ابزارهای ناهمگون با ماهیت بانک، به مثابه یکی از اجزای نظام سرمایه‌داری، با مشکلاتی همچون اجرای صوری قراردادهای و عدم کارایی مواجه گردیده است. چالش اصلی در این نگاه آن است که چرا ساختار بانک با وجود جایگزینی عقود شرعی نتوانسته است به صورت شرعی عمل کند؟ مطابق این رویکرد، هر راهکار مبتنی بر عقود با حفظ این ساختار محکوم به شکست است؛ چراکه بانکداری متعارف بر پایه بازار پول، مبادله پول به عنوان کالا، دادوستد پول توسط عقد قرض و بهره‌پایه‌ریزی شده است. موارد مذکور هم مشکل ربا دارند و هم با ماهیت اعتباری پول در تقابل اند (صفا و صمصامی، ۱۴۰۰).

الگوی تفکیک به معنای جداسازی خدمات بانکی اعم از ارائه حساب‌های جاری و خدمات مربوط به سیستم پرداخت‌ها از سرمایه‌گذاری و سپرده‌های سرمایه‌گذاری و مدت‌دار است. به عبارت دیگر تفکیک خدمات از سرمایه‌گذاری مد نظر است. در این صورت خدمات بانکی همچون افتتاح سپرده جاری و پس‌انداز قرض‌الحسنه و نقل و انتقالات مالی و به طور کلی

سیستم پرداخت‌ها می‌بایست از واسطه‌گری بانک در سرمایه‌گذاری جدا شود (محقق‌نیا، ۱۳۹۴).

در این الگو بانک تجاری حذف شده، نظام بانکی با تفکیک به بانک قرض‌الحسنه، مؤسسات سرمایه‌گذاری و شرکت‌های واسپاری ایفای نقش می‌نماید.

الگوی تفکیک بانک بر اساس کارکرد عقود و ریسک‌پذیری مشتریان

در این الگو فعالیت نظام بانکی بر اساس کارکرد عقود تفکیک می‌گردد و به عبارتی بر اساس کارکرد هر بانک و میزان ریسک‌پذیری مشتریان، چهار گروه بانک معرفی می‌شود. مطابق این الگو، نظام بانکی به بانک‌های قرض‌الحسنه، بانک‌های تجاری - مبتنی بر عقود مبادله‌ای: ویژه مشتریان ریسک‌گریز -، تخصصی - توسعه‌ای - مبتنی بر عقود مشارکتی: ویژه مشتریان ریسک‌پذیر - و جامع تقسیم می‌شود (موسویان، ۱۳۸۳). در این تقسیم‌بندی لزومی ندارد یک بانک تمام عقود را استفاده نماید و به عبارتی نباید در فعالیت بانک دیگر - تجاری یا توسعه‌ای و... دخالت نماید - مگر برای بانک جامع. مؤسسات اعتباری غیربانکی نیز نظیر مؤسسات وام و پس انداز (S&L)، تعاونی‌های اعتبار، شرکت‌های واسپاری و صندوق‌های قرض‌الحسنه در این الگو در نظر گرفته شده‌اند که در راستای اهداف خود ایفای نقش می‌کنند. این الگو به دنبال رفع نواقص عملیاتی قانون عملیات بانکی بدون ربا بوده است. در این الگو مقصود از بانک‌های جامع، بانک‌های بسیار بزرگ است که افزون بر فعالیت‌های قرض‌الحسنه (غیرانتفاعی) و فعالیت‌های بانک تجاری، در عرصه‌های گوناگون فعالیت‌های بانک‌های تخصصی را نیز انجام می‌دهند. این بانک‌ها می‌توانند انواعی از سپرده‌های بانکی و روش‌های اعطای تسهیلات را در بر گیرند و به‌نوعی ترکیبی از سایر بانک‌ها هستند که جز در موارد خاص و محدود، نباید مجوز تأسیس

داشته باشند. بانک‌های جامع همچنین می‌توانند برخی از شعب خود را به فعالیت‌های غیرانتفاعی یا تجاری و برخی را به فعالیت‌های بانک‌های تخصصی اختصاص دهند؛ چنان‌که می‌توانند شعبه‌های تخصصی خود را به تناسب بخش‌های اقتصادی تقسیم کنند؛ برای مثال بانک جامعی که در شهر متوسطی، ده شعبه دارد، می‌تواند پنج شعبه آن را تجاری و پنج شعبه دیگر را به تفکیک در بخش‌های کشاورزی صنعت و معدن، مسکن، بازرگانی توسعه صادرات فعال کند (موسویان و میثمی، ۱۳۹۵).

بانکداری ذخیره کامل

در این نوع نگاه، باید یکی از دو عملیات خلق پول یا اعطای وام از اختیار بانک خارج شود. درواقع عدم تفکیک میان وام‌دهی و خلق پول می‌تواند موجب ایجاد یا تشدید نوسانات اقتصادی شود. راهکار اساسی که خلق پول را در اختیار انحصاری بانک مرکزی قرار دهد، آن است که بدهی‌های بانک‌ها پول محسوب نشود تا امکان خلق پول از طریق خلق بدهی از بانک سلب گردد. به این ترتیب بانک به یک واسطه مالی مبدل خواهد شد و صرفاً بانک مرکزی به عنوان نماینده دولت امکان خلق پول خواهد داشت (دولت‌آبادی، ۱۳۹۴). در این نظام رابطه سپرده‌گذار و بانک مرکزی به صورت امانت است و سپرده‌گذاران می‌توانند از طریق انتقال وجوه حساب سپرده‌ای خود نزد بانک مرکزی به حساب طرف معامله، مبادلات تجاری و مالی خود را انجام دهند. البته خدمات پرداخت می‌تواند توسط نهادهایی غیر بانک مرکزی (و البته تحت نظارت آن) انجام پذیرد. رابطه مردم و بانک‌ها نیز به صورت وکالت (سرمایه‌گذاری یا عقود مشارکتی و مبادله‌ای) خواهد بود. درحقیقت بانک‌ها از طرف مردم وکیل خواهند بود وجوه آنها را در قالب‌های مختلف سرمایه‌گذاری کنند (همان).

دو مزیتی که این الگو دارد، عبارت‌اند از امکان اجرای سیاست پولی

از طریق کنترل بر حجم پول توسط بانک مرکزی و دیگری امکان تفکیک سپرده‌های معاملاتی از سرمایه‌گذاری به منظور کاهش ریسک. در پژوهش‌های خارجی نیز تلاش‌های متعددی جهت تبیین مزایای بانکداری مبتنی بر ذخیره کامل از منظرهای مختلف صورت گرفته است (برای نمونه، دی سوتو،^۱ ۲۰۰۹/ روتبارد،^۲ ۱۹۶۲/ جکسون و دایسون،^۳ ۲۰۱۲). از جمله مزایای بانکداری ذخیره کامل برقراری اشتغال کامل با تورم صفر است و از طرفی این نوع بانکداری منجر به نوسانات شدید نرخ بهره نخواهد شد (لاینا،^۴ ۲۰۱۵).

الگوی بانکداری بدون ربا (شهید صدر)

الگوی مد نظر شهید صدر مشتمل بر دو قسم است: یکی در جامعه‌ای که حکومت اسلامی برقرار است و دیگری در جامعه‌ای با حکومت غیردینی که به دنبال حذف ربا از نظام بانکی است. مورد اول در کتاب اسلام راهبر زندگی و مورد دوم در کتاب بانک بدون ربا در اسلام تبیین شده است (صدر، ۱۳۸۸، ص ۲۱). الگوی دوم گرچه به طور کامل اجرا نشده است، اما تأثیر فراوانی بر دیگر الگوهای بانکداری اسلامی گذاشته است (موسویان، ۱۳۸۵، ص ۲۱). مطابق این الگو بانک نوعی واسطه‌گر وجوه میان سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران در قرارداد مضاربه است.

روش‌های تجهیز منابع در این الگو به شرح زیر است (موسویان و میثمی، ۱۳۹۵): سپرده جاری (قرض بدون بهره): بانک سپرده‌های جاری را مطابق قرارداد قرض بدون بهره از متقاضیان اخذ می‌کند. همچنین به صورت عندالمطالبه به صاحب آن می‌بایست برگرداند.

سپرده پس‌انداز (وکالت): بانک پس‌اندازها را به روش عقد وکالت

1. De Soto, H.
2. Rothbard.
3. Jackson and Dyson.
4. Laina.

تحويل گرفته و مضاربه انجام می‌دهد و در پایان دوره مالی متناسب با مانده و مدت سپرده‌ها به سپرده‌گذاران سود می‌دهد. سود این سپرده‌ها بر اساس قرارداد انتظاری و متغیر است. از طرفی سپرده‌گذار حق دارد هر زمان که بخواهد، سپرده‌اش را پس بگیرد.

سپرده مدت‌دار (وکالت): ماهیت این سپرده همانند سپرده پس‌انداز بوده با این تفاوت که سپرده‌گذار طبق زمان‌بندی مشخص، حق برداشت از حساب را دارد. مطابق این الگو بانک بخشی از سود حاصل از به‌کارگیری سپرده‌های پس‌انداز و مدت‌دار را به‌عنوان حق الوکاله اخذ می‌کند و مابقی را میان سپرده‌گذاران تقسیم می‌نماید.

روش‌های تخصیص منابع در این الگو به شرح زیر است (همان):
مضاربه: بانک منابع حاصل از سپرده‌های پس‌انداز و مدت‌دار و بخشی از سپرده‌های جاری را طی قرارداد مضاربه به متقاضیان وام می‌دهد و در سود فعالیت‌های اقتصادی شریک می‌گردد.

البته قرارداد مضاربه به بخش بازرگانی اختصاص نداشته و در صنعت و معدن و کشاورزی و خدمات و... مطابق نظر ایشان قابل به‌کارگیری است. ایشان همچنین مهم‌ترین روش در تخصیص منابع را همین مضاربه می‌دانند. قرض با کارمزد: در این شیوه، بانک قسمتی از سپرده‌های جاری را به‌صورت قرض بدون بهره در اختیار متقاضیان قرار داده و در مقابل از ایشان کارمزد دریافت می‌کند.

تزیل با کارمزد: در این شیوه بانک قسمتی از اسناد مالی مشتریان را به قیمت اسمی خریداری کرده (بیع دین) و صرفاً در مقابل ارائه خدمات کارمزد دریافت می‌کند.

روش تحقیق

هر یک از الگوهای مذکور، به دنبال تحقق بانکداری اسلامی یا بانکداری

بدون ربا از منظرهای متفاوت بوده‌اند. به منظور نقد و بررسی الگوهای فوق نیاز به معیارها و شاخص‌هایی وجود دارد. بر همین اساس، این تحقیق مبتنی بر ادبیات نظری موضوع و با بهره‌گیری از نظرات خبرگان اقدام به استخراج معیارهایی پیرامون مهم‌ترین چالش‌های نظام بانکداری بدون ربا نموده است تا با تطبیق میزان پاسخگویی هر یک از الگوها به این چالش‌ها (مسائل)، میزان کارآمدی هر الگو مشخص گردد. چالش‌های تحقق بانکداری اسلامی در سه محور شرعی، اقتصادی و نهادی تعریف شده‌اند که هریک دارای زیربخش‌های مربوطه است.

محور شرعی به دسته‌ای از چالش‌ها اختصاص دارد که ناظر بر رعایت یا عدم التزام به قواعد و قوانین فقهی در حوزه بانکداری اسلامی می‌باشند و به همین ترتیب، محور اقتصادی به مسائل اقتصادی و محور نهادی به مسائل مرتبط با ساختار مالکیتی و الگوهای بانکداری مناسب در مسیر تحقق بانکداری اسلامی اشاره دارند.

جدول ۶: محورها و مسائل تحقق بانکداری اسلامی

محورها	مسئله / چالش	پرسش
شرعی	اخذ جریمه دیرکرد	آیا برای اخذ جریمه دیرکرد که یکی از شقوق ربوی بودن نظام بانکی تلقی می‌شود، راهکاری در الگوی پیشنهادی ارائه شده است؟
	سازوکار سود علی الحساب و تضمین آن	آیا سازوکاری جهت عدم تضمین سود - به‌ویژه در عقود مشارکتی - و پرداخت قطعی آن در نظر گرفته شده است؟
	رابطه بانک‌ها با بانک مرکزی	آیا چارچوبی برای مسئله اضافه برداشت بانکی و حلیت و میزان آن، در نظر گرفته شده است؟
	سازوکار سود بین بانکی	آیا چارچوبی برای اخذ سود بین بانکی و حلیت و میزان آن، در نظر گرفته شده است؟
	فقدان نهاد ناظر شرعی	آیا مسئله نظارت شرعی در الگوی مذکور جایابی شده است؟

محورها	مسئله / چالش	پرسش
اقتصادی	عدم توجه به نیازهای بخش واقعی	آیا الگوی مذکور تأمین کننده نیازهای کلیه بازیگران اقتصاد (دولت، بنگاه، خانوار) است؟
	عدم توجه به تسهیم ریسک	آیا سازوکارهای لازم برای تسهیم انواع ریسک (نقدینگی، بازار و...) در فرایندهای تأمین مالی در نظر گرفته شده است؟
	عدم توجه به تنوع ابزار سیاست پولی	آیا تدابیر و ساختار لازم برای اعمال سیاست گذاری پولی توسط سیاست گذار پیش بینی شده است و الگوی مذکور محدودیتی در اعمال سیاست های پولی ایجاد نمی کند؟
نهادی و ساختاری	صور سازی عقود و قراردادهای	آیا راهکاری به منظور اجتناب از صور سازی قراردادهای و عقود مطرح شده است؟
	عدم تنوع الگوهای بانکداری	آیا به ساختار الگوهای مختلف بانکداری و الگو بومی متناسب با اقتصاد کشور توجه شده است؟
	ساختار مالکیتی بانکها	آیا به اقتضائات ساختار مالکیتی مؤسسات مالی - اعتباری توجه شده است؟
	فقدان زیر ساخت اعتبارسنجی (مخاطره کژگزینی - کژمنشی)	آیا سازوکارهای لازم برای کنترل مخاطرات حاصل از اطلاعات نامتقارن (کژمنشی و کژگزینی) در عقود مشارکتی دیده شده است؟

منبع: یافته های تحقیق

به منظور رتبه بندی مهم ترین چالش ها و مسائل در مسیر تحقق بانکداری اسلامی، از روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) استفاده شده است. در این راستا، پرسشنامه ای متشکل از سؤالات ذکر شده در قسمت فوق، از طریق مقایسه زوجی در میان خبرگان حوزه بانکداری توزیع گردید و نتایج با استفاده از نرم افزار سوپر دسیژن (Super Decisions) مورد تحلیل قرار گرفت. شایان ذکر است خبرگان مورد استفاده در این پژوهش شامل سی نفر اعضای هیئت علمی و متخصصان حوزه اقتصاد، مدیریت مالی و فقه

می باشند و پرسشنامه مذکور به صورت رفت و برگشتی مورد بررسی و مؤلفه ها و پاسخ ها مورد اجماع قرار گرفته است.

در این پرسشنامه ابتدا محورهای شرعی، اقتصادی و نهادی به صورت دویه دو مورد مقایسه قرار گرفتند تا اهمیت چالش های هر حوزه در تحقق بانکداری اسلامی مشخص گردد؛ سپس میان چالش (مسئله) اصلی مرتبط در هر حوزه، مقایسه زوجی صورت پذیرفت. بر اساس نتایج تحقیق، مهم ترین چالش در تحقق بانکداری اسلامی به محور شرعی با وزن ۰/۶۱ اختصاص یافته است. محورهای «نهادی» و «اقتصادی» به ترتیب با ۰/۱۹ و ۰/۱۸ در رتبه های بعدی قرار دارند.

جدول ۷: نتایج اوزان محورها در تحقق بانکداری اسلامی

محور	وزن مستخرج از نرم افزار
شرعی	۰/۶۱
اقتصادی	۰/۱۸
نهادی	۰/۱۹

مأخذ: محاسبات تحقیق

در میان مؤلفه های مرتبط با محور شرعی نیز سازوکار تعیین سود علی الحساب بانکی - و تضمین آن - با وزن ۰/۴۱ به عنوان مهم ترین مسئله در تحقق بانکداری اسلامی تشخیص داده شده است. در این خصوص می توان بیان داشت که بانک ها بدون توجه به میزان سود کسب شده واقعی از معاملات، به صورت علی الحساب، سود سپرده به مشتری پرداخت می کنند، از این رو هیچ گاه سود واقعی شناسایی نمی شود؛ به همین دلیل است که علاوه بر ناکارآمدی نظام بانکی، شبهه غیر شرعی بودن عملیات بانکی نیز وجود دارد (دادگر و کشاورزیان، ۱۳۹۵). به گونه ای که به کارگیری سود علی الحساب اشکالات و ایرادهای مختلفی دارد و به نظر

برخی محققان بانکداری اسلامی شبیه ربوی بودن عملیات بانکی را به دنبال دارد (سیفیلو، ۱۳۸۹).

جدول ۸: نتایج مربوط به وزن مؤلفه‌های محور شرعی، اقتصادی و نهادی

وزن مستخرج از نرم افزار	مؤلفه‌ها در محور شرعی
۰/۴۱	سازوکار سود علی الحساب و تضمین آن
۰/۲۲	سازوکار سود بین بانکی
۰/۱۹	رابطه بانک‌ها با بانک مرکزی
۰/۰۸	اخذ جریمه دیرکرد
۰/۰۸	فقدان نهاد ناظر شرعی
وزن مستخرج از نرم افزار	مؤلفه‌ها در محور اقتصادی
۰/۵۷	عدم توجه به نیازهای بخش واقعی
۰/۲۶	عدم توجه به تسهیم ریسک
۰/۱۵	عدم توجه به تنوع ابزار سیاست پولی
وزن مستخرج از نرم افزار	مؤلفه‌ها در محور نهادی
۰/۳۳	صوری سازی عقود و قراردادهای
۰/۲۳	ساختار مالکیتی بانک‌ها
۰/۲۳	فقدان زیرساخت اعتبارسنجی (مخاطره کژگزینی - کژمنشی)
۰/۱۹	عدم تنوع الگوهای بانکداری

مأخذ: محاسبات تحقیق

پس از مسئله «تضمین سود علی الحساب»، معیارهای «سازوکار سود بین بانکی»، «رابطه بانک‌ها با بانک مرکزی»، «اخذ جریمه دیرکرد» و «فقدان نهاد ناظر شرعی» نیز به ترتیب مهم‌ترین مؤلفه‌ها در این محور شناخته شدند. وزن سایر مؤلفه‌ها در هر محور در جدول فوق ارائه شده است.

بررسی الگوها از منظر حل چالش‌های بانکداری اسلامی

در این بخش، مبتنی بر نتایج تحقیق در احصا و رتبه‌بندی چالش‌های تحقق بانکداری اسلامی، بررسی مقایسه‌ای بین الگوها از منظر حل چالش‌های بیان‌شده صورت می‌گیرد. این کار با مراجعه به آرای صاحب‌نظران و بررسی منابع کتابخانه‌ای مرتبط با الگوهای ارائه‌شده صورت گرفته است که در نهایت میزان پاسخ‌گویی الگوها به چالش‌های فوق، در جدولی که در ادامه آمده است، جمع‌بندی گردید. مقصود از میزان پاسخ‌گویی، توجه به چالش‌های مطرح‌شده یا ارائه راهکار درباره آنها به صورت تلویحی یا صریح می‌باشد. گفتنی است صرفاً آن دسته الگوهای بانکداری اسلامی که به لحاظ نظری به شیوه‌ای منقح‌تر و جامع‌تر از سوی نظریه‌پردازان تبیین شده‌اند، در این قسمت بررسی شده‌اند.

چند نکته و ملاحظه در خصوص بررسی و مقایسه الگوها وجود دارد: نخست آنکه برخی از الگوهای یادشده صرفاً به دنبال بیان راه‌حل برای یک مسئله خاص بوده‌اند و ادعای جامعیت نداشته‌اند. بر همین اساس بدیهی است که این الگوها به دنبال پاسخ‌گویی به کلیه چالش‌های پیش روی تحقق بانکداری اسلامی نباشند. نکته دیگر آنکه عموماً الگوهایی که به جنبه‌های کارکردی و ارائه خدمات نظام بانکی (اقتصادی) توجه داشته‌اند، در مقابل به جنبه‌های مالکیتی و نهادی کمتر توجه کرده‌اند؛ همچنین الگوهایی که بر وجه نهادی مسئله تمرکز داشته‌اند، به جنبه‌های اقتصادی آن کمتر پرداخته‌اند. در نهایت مسئله خلق پول که در زمره مهم‌ترین مسائل شرعی و ساختاری در نظام بانکداری اسلامی به شمار می‌رود، عموماً خود را در رابطه بانک با بانک مرکزی - به صورت مستقیم یا غیرمستقیم - نشان می‌دهد و به همین علت از پرداخت جداگانه به عنوان یک چالش در مسیر تحقق بانکداری اسلامی، اجتناب شده است.

جدول ۹: تطبیق الگوهای بانکداری اسلامی با معیارهای معرفی شده

مسائل الگوها	شرعی					اقتصادی			ساختاری و نهادی			
	حرمت اخذ جریمه دیبرکرد	عدم تضمین سود علی الحساب	ضابطه مند بودن اضافه برداشت	قاعده گذاری اخذ سود بین بانکی	وجود نهاد ناظر شرعی	توجه به نیازهای بخش واقعی اقتصاد	توجه به ریسک و سلامت بانکی	امکان تنوع ابزارهای سیاست گذاری پولی	عدم صوری سازی	توجه به ساختار مالکیتی مؤسسات مالی اعتباری	توجه به الگوهای مختلف بانکداری و الگوی بومی آن	زیر ساخت اعتبار سنجی
بانکداری بدون ریا	✓	✓	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	✓	نامعلوم	✓	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم
مشارکت در سود و زیان	نامعلوم	✓	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم ^۲	نامعلوم	✓	✓	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم
عقود مبادله ای	نامعلوم	✓	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	✓	✓	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم
تفکیک خدمات از سرمایه گذاری	نامعلوم	✓	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	✓	نامعلوم	✓	✓	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم
تفکیک بانک	نامعلوم	✓	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	✓	نامعلوم	✓	✓	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم

مأخذ: نتایج تحقیق

۱. در مواردی که الگوی مورد نظر سکوت کرده است و به عبارت دیگر پاسخی ارائه نشده است، از عبارت «نامعلوم» استفاده شده است.
۲. برای الگوی مشارکت در سود و زیان – و همچنین عقود مبادله ای – به دلیل آنکه صرفاً بر یک قسم از تأمین مالی تمرکز کرده اند و در ارتباط با انواع دیگر تأمین مالی سکوت کرده اند، از عبارت «نامعلوم» استفاده شده است.

الگوی قانون عملیات بانکی بدون ربا: مطابق ماده (۲۱) قانون عملیات بانکی بدون ربا (مصوب ۱۳۶۲)، بانک مرکزی و شبکه بانکی و همچنین بانک‌ها در ارتباط با یکدیگر، از انجام عملیات بانکی ربوی منع شده‌اند؛ از این رو الگو به چالش ربوی بودن در بُعد شرعی پرداخته است؛ به عبارت دیگر به استناد همین بند تلویحاً منع «اخذ جریمه دیرکرد» و عدم «تضمین سود علی‌الحساب» قابل برداشت است. با این حال مراد از عملیات بانکی ربوی در این قانون تصریح نشده است که می‌تواند به عنوان یکی از چالش‌ها و نواقص این قانون تلقی شود. در بُعد اقتصادی، این الگو هم تأمین مالی خانوار را از طریق اعطای تسهیلات خرد قرض‌الحسنه مد نظر قرار داده است (ماده ۱۴) و هم به تأمین مالی بخش‌های تولیدی و بازرگانی از طرق مبادله‌ای و مشارکتی توجه دارد (مواد ۷ تا ۱۳ و ۱۶ و ۱۷) و می‌توان اذعان داشت که این الگو در مقام نظری رفع نیازهای بخش واقعی اقتصاد را مد نظر قرار داده است. همچنین طی ماده (۲۰) این قانون، امکان تنظیم‌گری نظام بانکی از طریق ابزارهای مختلف برای بانک مرکزی محفوظ در نظر گرفته شده است. بر این اساس این الگو از مجموع نه چالش احصاشده، به دو چالش در بخش شرعی و دو چالش در بخش اقتصادی پاسخ داده است.

الگوی مشارکت در سود و زیان و الگوی عقود مبادله‌ای: الگوی مشارکت در سود و زیان از طریق عدم تضمین سود، در جهت حذف ربا از نظام بانکی تلاش نموده و در مقابل الگوی عقود مبادله‌ای، با تأکید بر لزوم سودآوری بانک و منع از انجام فعالیت‌های دارای ریسک در نظام بانکی ضمن اصلاح رفتار بانک، خواهان پرداخت سود واقعی به سپرده‌های به کارگرفته‌شده بوده است. بر این اساس هر دو الگو به نوعی بر حذف ربا از نظام بانکی توجه داشته‌اند. به عبارت دیگر هر دو الگو با توجه به برداشت خود از عامل ربا در نظام بانکی، از طریقی در صدد حذف آن برآمده‌اند و ضمن ارائه راهکار در حل این نقیصه، در تلاش برای پرهیز از صوری‌سازی در عقود

بانکی - اولی با حذف عقود مبادله‌ای و اعطای سود بدون توجه به نحوه به‌کارگیری وجوه و دومی با حذف عقود مشارکتی با مدنظر قراردادن عدم امکان اجرای واقعی این عقود در بانک - برآمده‌اند. هر دو الگو امکان تنوع ابزارهای سیاست‌گذاری پولی را محفوظ داشته‌اند. بر این اساس در هر دو الگو به یک چالش شرعی (عدم تضمین سود علی الحساب)، یک چالش اقتصادی (سیاست‌گذاری پولی) و یک چالش نهادی (صوری‌سازی) توجه شده است.

الگوی تفکیک خدمات از سرمایه‌گذاری و الگوی تفکیک بانک مبتنی بر عقود و ریسک‌پذیری مشتریان: در الگوی تفکیک خدمات از سرمایه‌گذاری، ضمن اشاره به ماهیت بانکداری تجاری، تلاش شده است با حذف آن از نظام بانکی و حواله‌دادن رفع نیازهای تجاری به لیزینگ‌ها، به ربوی بودن نظام بانکی خاتمه داده شود (عدم تضمین سود علی الحساب) و از سوی دیگر الگوی تفکیک بانک مبتنی بر عقود با انطباق کلیه فعالیت‌های بانکی بر عقود شرعی، در صدد رفع این مهم برآمده است.

امکان تنوع به‌کارگیری ابزارهای سیاست‌گذاری پولی در هر دو الگو وجود دارد؛ همچنین هر دو الگو با تلاش بر تبیین رفتار بانک فعلی، به دنبال رفع صوری‌سازی عقود بانکی بوده‌اند. درواقع الگوی تفکیک با حذف بانک تجاری و جدانمودن خدمات از سرمایه‌گذاری زمینه را برای اعطای سود واقعی و عدم صوری‌سازی در عقود بانکی مهیا کرده و الگوی کارکرد عقود، با انطباق کلیه فعالیت‌های بانکی و عقود شرعی و جهت‌دهی آن در راستای یکی از رویه‌های شرعی، در صدد حل این معضل برآمده است.

درنهایت تنها برتری دو الگوی مذکور نسبت به دو الگوی پیشین، توجه به تأمین مالی جمیع بازیگران (خانوار، تجار و تولیدکنندگان) بوده است. بر این اساس هر دو الگو، به یک چالش شرعی (عدم تضمین سود علی الحساب)، دو چالش اقتصادی (نیاز بخش واقعی و سیاست‌گذاری پولی) و یک چالش

نهادی (صوری‌سازی) پاسخ داده‌اند.

اکنون می‌توان با اوزان به‌دست‌آمده در بخش قبل، نسبت به تعیین رتبه الگوها اقدام نمود. با جای‌گذاری ضرایب در جدول بخش قبل، مشاهده خواهد شد که هر یک از الگوهای تفکیک خدمات از سرمایه‌گذاری (۰/۴۶)، تفکیک بانک مبتنی بر عقود و ریسک‌پذیری مشتریان (۰/۴۶)، بانکداری بدون ربا (۰/۴۵)، مشارکت در سود و زیان (۰/۳۶)، عقود مبادله‌ای (۰/۳۶) به‌ترتیب از جامعیت و اثربخشی بالاتری برخوردارند؛ به این معنا که به چالش‌های احصاشده - به صورت مستقیم یا تلویحی - پرداخته‌اند.

جدول ۱۰: رتبه‌بندی الگوها از منظر حل چالش‌های بانکداری اسلامی

الگو	رتبه	مجموع وزن حاصل‌شده
تفکیک خدمات از سرمایه‌گذاری	۱	۰/۴۶
کارکرد عقود	۱	۰/۴۶
بانکداری بدون ربا	۳	۰/۴۵
عقود مبادله‌ای	۵	۰/۳۶
مشارکت در سود و زیان	۵	۰/۳۶

مأخذ: محاسبات پژوهش

شایان ذکر است این رتبه‌بندی لزوماً به دنبال رد یک رویکرد نیست و چه بسا دقت‌هایی در یک الگو صورت گرفته باشد که الگوهای دیگر فاقد آن‌اند؛ بلکه مراد بیان میزان جامعیت هر یک از الگوها در پاسخ‌گویی به چالش‌های تحقق بانکداری اسلامی است و در صورتی می‌توان به سمت الگوی جامع بانکداری اسلامی پیش رفت که در طرح‌های آتی، نگاه جامع و کلان‌تری - از حیث نظری - به چالش‌های پیش روی بانکداری اسلامی داشت. از طرفی با توجه به آن که مهم‌ترین چالش تحقق بانکداری اسلامی، تضمین نرخ سود بانک‌ها و عدم ابتنای سود پرداخت‌شده بر سودآوری واقعی بانک - بر اساس ترازنامه - در نظر گرفته شده است، قدر متقین آن

است که اصلاح نظام بانکی از این محل آغاز گردد؛ همچنین این الگوها به طور نسبی از یکدیگر برترند و این به معنای جامعیت و کمال یا مطلوبیت و مورد تأیید بودنشان در مسائل شرعی نیست؛ چراکه هیچ کدام از این الگوها حتی نتوانسته است پنجاه درصد معیارهای اسلامی را اخذ کنند.

جمع بندی و نتیجه گیری

مهم ترین نقیصه در عدم اجرایی شدن الگوهای بانکداری اسلامی، عدم جامعیت آنها و ضعف های نظری هستند که می تواند کارایی این الگوها را در عرصه اجرا با چالش مواجه نماید. در این پژوهش الگوهای مذکور به صورت همزمان مورد بررسی و آسیب شناسی واقع شدند.

در این پژوهش پس از بررسی مؤلفه های محوری هر الگو، مهم ترین چالش های پیش روی تحقق کامل بانکداری اسلامی در کشور با مراجعه به منابع کتابخانه ای در سه حوزه شرعی، اقتصادی و نهادی احصا گردید. در ادامه به منظور مشخص شدن میزان جامعیت هر الگو، تطبیق معیارها با مؤلفه های محوری هر الگو صورت پذیرفت.

در پژوهش حاضر به منظور رتبه بندی میزان اهمیت محورها و چالش های تحقق بانکداری اسلامی، با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی و اخذ نظر خبرگان حوزه بانکداری اسلامی، به ترتیب سه محور شرعی، نهادی و اقتصادی دسته بندی شدند. در میان چالش های محور شرعی نیز «تضمین سود علی الحساب و پرداخت سود قطعی به سپرده گذاران» بیشترین وزن را به خود اختصاص داد. بر همین اساس اقدام به رتبه بندی الگوها گردید که مطابق نتایج پژوهش «الگوهای تفکیک خدمات از سرمایه گذاری» و «بانکداری مبتنی بر عقود و ریسک پذیری مشتریان» از جامعیت بیشتری نسبت به سایر الگوها برخوردارند.

رتبه بندی صورت گرفته لزوماً به معنای ناکارآمدی سایر الگوها نبوده و

چه بسا برخی از الگوها با محور قرار دادن یک مسئله، صرفاً به دنبال حل آن نقیصه بوده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد به منظور اجرایی‌نمودن نظام بانکداری اسلامی، نگاه جامع و کلان و اشراف نسبت به چالش‌های آن، جزئی لاینفک از طراحی چنین الگوهایی است؛ بنابراین در بازطراحی الگوها می‌توان از راهکارهای ارائه‌شده در الگوهای دیگر - در صورت سازگاری با الگو- استفاده نمود.

از آنجا که مهم‌ترین چالش در تحقق بانکداری اسلامی در حوزه پرداخت سود به سپرده‌گذاران بدون ابتنا بر عملیات واقعی ترازنامه بانک و غیرمتناسب با بازدهی بخش واقعی اقتصاد از طریق تضمین سود علی‌الحساب می‌باشد که پیامدهایی همچون ناترازی بانکی، تهدید سلامت نظام بانکی و همچنین شبهات شرعی را می‌تواند به همراه داشته باشد، پیشنهاد می‌شود الگوها - ضمن پاسخ‌گویی به مسائل مرتبط با بانکداری اسلامی - در جهت حل این معضل خاص متمرکز گردند.

حامی مالی

بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله هیچ‌گونه حامی مالی ندارد..

سهم نویسندگان در پژوهش

تمام نویسندگان در طراحی، اجرا و نگارش مقاله مشارکت داشته‌اند و محتوای نهایی مقاله را تأیید می‌کنند.

تضاد منافع

نویسندگان تصریح می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منافعی در ارتباط با این مقاله وجود ندارد.

منابع و مأخذ

- بیدآباد، بیژن (۱۳۹۱). مقررات پیشنهادی برای شفافیت مالی حکمرانی و افشای اطلاعات بانک در بانکداری راستین. ماهنامه بانک و اقتصاد، (۱۱۷).
- بیدآباد، بیژن، و الهیاری فرد، محمود (۱۳۸۴). فناوری اطلاعات و ارتباطات در تحقق سازوکار مشارکت در سود و زیان. فصلنامه اقتصاد تجارت نوین، (۳).
- تونچیان، ایرج (۱۳۷۹). پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری. تهران: توانگران.
- حسینی دولت‌آبادی، سیدمهدی (۱۳۹۴)، ترتیبات خلق پول از منظر اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی با تأکید بر نرخ ذخیره قانونی. رساله دکتری.
- دادگر، یداله، و کشاورزبان پیوستی (۲۰۱۶م). امکان‌سنجی مدل‌سازی بانکداری بدون ربا بر پایه تئوری عقلانیت میانه مالی. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۵ (۱۶)، ۲۰۳-۲۳۰.
- زریباف، سیدمهدی، و سعیدی، علی (۱۳۹۲). بانکداری غیرانتفاعی: مدلی برای اصلاح نظام بانکی با رویکرد مبنایی. مجموعه مقالات نخستین کنفرانس ملی توسعه مدیریت پولی و بانکی. تهران: بانک انصار.
- سیفلو، سجاد (۱۳۸۹). حساب سرمایه‌گذاری ویژه راهکاری برای سود ثابت. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۲ (۲)، ۱۲۵-۱۴۶.
- شعبانی، احمد، و سیفلو، سجاد (۱۳۹۰). مقایسه تطبیقی بانکداری و کالتی و مشارکتی و ارائه راهکارهای جدید. دوفصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، (۵).
- صدر، محمدباقر (۱۳۸۸). بانک بدون ربا در اسلام. ترجمه سیدیحیی علوی، تهران: دانشگاه امام صادق^(ع).
- صفا، احمدرضا، و صمصامی، حسین (۱۴۰۰). نقدی بنیادین بر جایگاه بانک تجاری در نظام مالی اسلام. معرفت اقتصاد اسلامی، ۱۳ (۲۵)، ۲۷-۴۴.
- طالبی، محمد، و کیایی، حسن (۱۳۹۱). ریشه‌یابی چالش‌های استفاده از عقود مشارکتی در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران. دوفصلنامه تحقیقات مالی اسلامی، (۲).
- عقیلی کرمانی، پرویز (۱۳۸۷). ارائه راهکارهای عملی برای انطباق بانکداری اسلامی با ضوابط و مقررات بانکی بین‌المللی. مجموعه مقالات نوزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی بانکداری.
- عیوضلو، حسین (۱۳۹۹). مطالعات پایه طرح اصلاح نظام پولی و بانکی کشور. اداره کل آموزش با همکاری اداره کل تحقیقات و برنامه ریزی بانک سپه.
- محقق‌نیا، محمدجواد (۱۳۹۳). الگوی بانکداری اسلامی. تهران: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی^(ص).
- موسویان، سیدعباس (۱۳۸۳). ارزیابی سپرده‌های بانکی و پیشنهاد سپرده‌های جدید. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۴ (۱۵).

موسویان، سیدعباس (۱۳۸۵). بانکداری بدون ربا از دیدگاه شهید صدر. فصلنامه اقتصاد اسلامی، (۲۱).

موسویان، سیدعباس (۱۳۸۶). نقد و بررسی قانون عملیات بانکی بدون ربا و پیشنهاد قانون جایگزین. فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، ۷ (۲۵).

موسویان، سیدعباس، و میثمی، حسین (۱۳۹۵). بانکداری اسلامی: مبانی نظری-تجارب عملی. ویراست چهارم، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

AlShattarat, W. K., & Atmeh, M. A. (2016). Profit-sharing investment accounts in islamic banks or mutualization, accounting perspective. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 14 (1), 30-48.

Archer, S., Abdel Karim, R.A. & Al-Deehani, T. (1998). Financial Contracting, Governance Structures and the Accounting Regulation of Islamic Banks: An Analysis in Terms of Agency Theory and Transaction Cost Economics. *Journal of Management & Governance*, (2), 149-170.

Chapra, M. U. (2007). The case against interest: Is it compelling?. *Thunderbird International Business Review*, 49 (2), 161-186.

De Soto, J. H. (2006). *Money, Bank Credit, and Economic Cycles*. Alabama: Ludwig von Mises Institute.

Hamza, H. (2016). Does investment deposit return in Islamic banks reflect PLS principle?. *Borsa Istanbul Review*, 16 (1), 32-42.

Iqbal, M., & Jarhi, M.A. (2001). Islamic Banking: Answers to Some Frequently Asked Questions (Occasional paper).

Iqbal, Z., & Mirakhor, A. (2011). An introduction to Islamic finance: Theory and practice. Vol. 687, Washington, Wiley Finance.

Jackson, A. & Dyson, B. (2012). *Modernizing Money: Why our monetary system is broken and how it can be fixed*. London: Positive Money.

Khan, M. S., & Mirakhor, A. (1994). Monetary management in an Islamic economy. *Journal of King Abdulaziz University: Islamic Economics*, 6 (1).

Lainà Patrizio (2015b). Proposals for Full-Reserve Banking: A Historical Survey from David Ricardo to Martin Wolf. *Economic Thought*, 4 (2), 1-19.

Rothbard, M. N. (2001). *the case for a 100 percent gold dollar*. Alabama: Ludwig von Mises Institute.